

مؤسسهٔ وعظ و خطابه

مسعود کوهستانی نژاد

گونه‌گون این دوره، عموماً خصوصاً فعالیت‌های فرهنگی — که مورد بی‌مهری کلی مورخین و تحلیل‌گران بوده — تأثیر منفی می‌گذارد.

۳ — در دیدگاه اکثر مورخین و محققین، کشاکش و درگیری نهاد روحانیت و دولت، در دوره مورد بحث، از جنبه سیاسی مورد توجه بوده است.^۵

۴ — کوتاه بودن مدت فعالیت مؤسسهٔ وعظ و خطابه (دو سال)، باعث نادیده گرفته شدن فعالیت آن می‌شود.

در مجموع، رژیم پهلوی اول، پس از استقرار (در سال ۱۳۰۴ ش)، این نکته را به خوبی متوجه شد که جهت استقرار کامل دولت، و قدرت‌یابی آن، باید با روحانیت — که از دورهٔ قاجار قدرت سیاسی پیدا کرده، و بپایگاه سیاسی بالقوه و بالفعلی که داشت، می‌توانست علیه رضاشاه و حکومت نظامی وی قیام نموده، مانع تحقق افکار وی گردد — رویاروی شود.^۶ در نتیجه بسیار طبیعی است که دولت رضاشاه، درصدد برخورد با روحانیت باشد؛ ولی این برخورد (به غیر از دو نمونه)، به دلیل قوی بودن پایگاه روحانیت و نفوذ آن در بین مردم، نمی‌توانست به‌طور مستقیم انجام گیرد؛ بلکه شیوه‌هایی لازم بود که در ضمن آن بتوان نه به‌طور علنی، بلکه به شکل کاملاً غیرمستقیم، برخورد نمود.

در تحلیل کلی، گرایش روحانیت را در دوران رضاشاه، به عنوان یک نهاد اجتماعی و فرهنگی و سیاسی تلقی کنیم، برخورد رژیم و دولت حاکم با نهاد مزبور، به‌طور خلاصه از این قرار بود:

دولت در ابتدا سعی کرد به وسیلهٔ صدور «جواز عمامه» [که از سال ۱۳۰۸ ش اعمال شد] نظارت و کنترل شدید پلیسی بر وضعیت روحانیت داشته باشد. (سند شماره ۱ و ۲). پس از گذشت چند سال، دو طرح مبارزهٔ فرهنگی با روحانیت نیز از سوی دولت اجرا شد. طرح اول ایجاد مرکزی جهت ساختن روحانی^۷ (سند شماره ۳)، و طرح دوم، تغییر محتوای فکری روحانیت، و وابسته نمودن آن به دولت بود. در واقع دولت با اجرای دو طرح مزبور، ضمن قبول واقعیتی به نام روحانیت، و نقش آن در اجرای سیاست‌های داخلی^۸، به نوعی سعی در به زیر سنطه درآوردن نهاد مزبور داشت.

هریک از سه طرح مزبور (کنترل و نظارت — ایجاد نهاد

در خصوص فعالیت مؤسسه‌ای به‌نام وعظ و خطابه، تعدادی سند در سازمان اسناد ملی ایران وجود دارد؛ و براساس آن‌ها می‌توان دریافت، مؤسسهٔ مزبور وابسته به دانشکدهٔ معقول و منقول بوده، و کار رسمی آن از مهر ماه سال ۱۳۱۵ ش آغاز، و در مهر ماه سال ۱۳۱۷ ش رسماً پایان یافته است.

در میان تعداد محدود کتبی که در خصوص وضعیت سیاسی و اقتصادی و اجتماعی دورهٔ شانزده‌ساله رضاشاه تالیف شده، اوراق بسیار کمی به بررسی وضعیت فرهنگی این دورهٔ ۱۶ ساله (۲۰-۱۳۰۴ ش) اختصاص یافته است. شاید گذشته از خاطرات کسانی چون عیسی صدیق^۱ و دولت‌آبادی^۲، به کتاب دیگری نتوان اشاره نمود، که در آن سیاست‌های فرهنگی اتخاذ شده در این دوره مشروحاً بررسی شده باشد. تالیفات اندک فوق نیز عمدتاً به چگونگی شکل‌گیری نهادهای آموزشی آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها اختصاص می‌یابند؛ به نحوی که در مجموعهٔ کتبی که در خصوص جنبه‌های گوناگون دورهٔ رضاشاه تالیف گردیده، و در دسترس نگارنده قرار دارد، تنها در یک مورد اشارهٔ کوتاهی به تشکیل مؤسسهٔ وعظ و خطابه می‌شود.^۳ و ضمیمهٔ این اشارهٔ کوتاه نیز نمی‌تواند مبین هیچ‌گونه دیدگاه یا تحلیلی خاص از عملکرد و جایگاه مؤسسهٔ مذکور باشد. در نشریات چاپ شده در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۱۵-۱۷ ش نیز چند بار اشاره به این موضوع می‌شود. مهم‌ترین منبع، مجلات تعلیم و تربیت (که در سال ۱۳۱۷ ش، به مجلهٔ آموزش و پرورش تبدیل شده)^۴ می‌باشد. در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۱۵-۱۷ ش، در این نشریه اخباری در ارتباط با تشکیل و بیلان کار مؤسسهٔ وعظ و خطابه وجود دارد.

در خصوص علت قلت منابع، راجع به فعالیت مؤسسه، می‌توان به عوامل زیر اشاره نمود:

۱ — فعالیت مؤسسهٔ وعظ و خطابه، به دلیل وابستگی آن به دانشکدهٔ معقول و منقول [الهیات فعلی] تحت الشعاع دانشکدهٔ مزبور قرار گرفته بود و اغلب آن را جزئی از دانشکدهٔ مزبور می‌دانستند.

۲ — اندک بودن منابع و اسنادی که از دورهٔ رضاشاه موجود است، بر روی روند چاپ کتاب‌ها و تحلیل‌های جدید در مورد ابعاد

مشابه - تغییر) براساس مقدماتی اجرا شد و به نتایج خاص خود رسید. از میان سه طرح مزبور، طرح های کنترل و نظارت (جواز عمامه) و ایجاد نهاد مشابه (دانشکده معقول و منقول) نیاز به مبحثی دیگر، و بررسی جداگانه و دقیق دارند و ما در این جا بحث پیرامون طرح سوم را، که همان مؤسسه وعظ و خطابه باشد، آغاز می کنیم.

مؤسسه وعظ و خطابه:

۱- انگیزه تشکیل: انگیزه تشکیل مؤسسه، به چند موضوع باز می گردد، که ذیلاً هریک را بیان می کنیم:

الف) انگیزه فرهنگی: پس از تشکیل دانشکده معقول و منقول، و آغاز تربیت روحانی توسط اساتید این دانشکده، مشکل اصلی این بود که با روحانیت موجود چه باید کرد؟ تعداد زیاد افراد روحانی قدرتمند بودن ارتباط آنان با یکدیگر، و رابطه قوی آنان با مردم، عوامل مورد توجه دولت وقت بودند. دولت مردان در تحلیل نهایی به این نتیجه رسیدند که ضمن آشنا نمودن (اجباری) روحانیت با علم جدید، و وابسته نمودن سیاسی به دولت، می توان آنان را تغییر داد.

ب) انگیزه سیاسی: در فاصله تشکیل دانشکده معقول و منقول^۱، و تشکیل مؤسسه وعظ و خطابه، چند رویداد بسیار مهم اتفاق افتاد که هریک به نوبه خود می تواند انگیزه های مهمی جهت تشکیل مؤسسه مزبور باشد:

۱- پس از بازگشت رضاشاه از ترکیه، موج اصلاحات جدیدی که از آن ها می توان به عنوان سوغات ترکیه نام برد^۲، در ایران پدیدار شد. مهم ترین این اصلاحات، تغییر لباس و مسئله کشف حجاب بود. از اواخر سال ۱۳۱۳ ش که مقدمات کشف حجاب به تدریج فراهم می گشت، واکنش های روحانیون، در شهرهای شیراز^۳ و مشهد^۴، در خصوص مقابله با مقدمات کشف حجاب (کلاه شاپو - لباس متحدالشکل و...) ^۵ و از همه مهم تر واقعه مسجد گوهرشاد^۶، نمایانگر این نکته مهم بودند که روحانیت هنوز هم - با وجود کنترل بسیار شدید و سنگین پلیس و نظامیان رضاشاه - قادر است موج مخالفت را علیه اصلاحات رضاشاه ایجاد کند. و احتمالاً این نکته در ذهن طراحان، متفکران، نظریه پردازان دولت رضاشاه شکل گرفت که تنها با فشارهای پلیسی و ایجاد اختناق، نمی توان روحانیت را محدود و کنترل نمود.

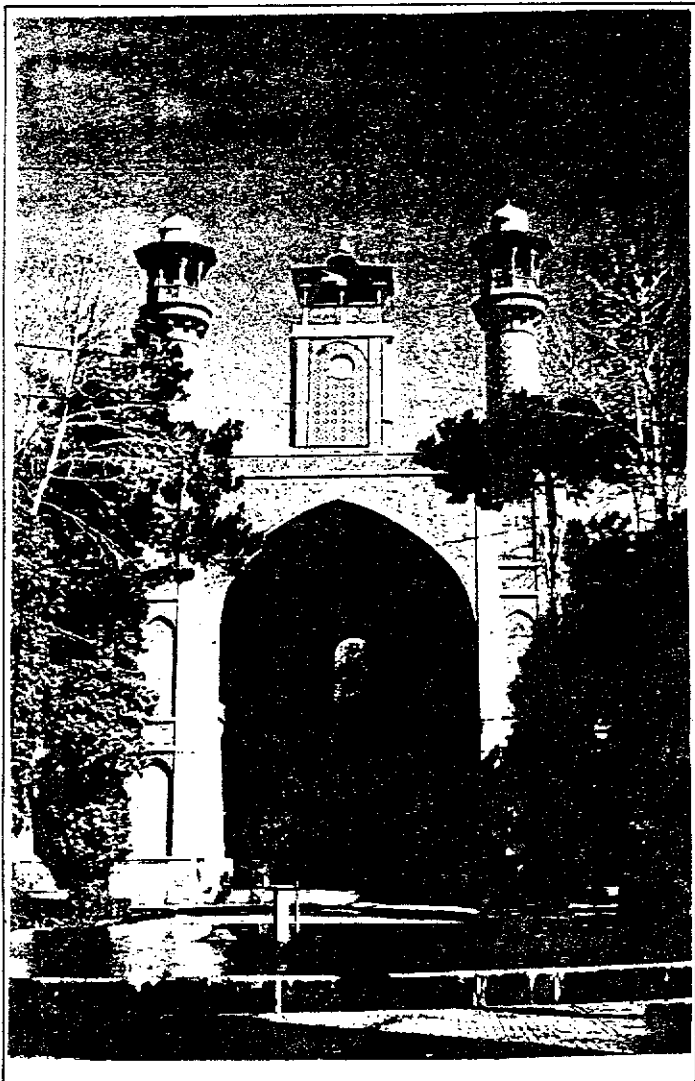
۲- مسئله بسیار مهم و حیاتی، موضوع کشف حجاب و اعلان رسمی آن بود. کشف حجاب به عنوان مهم ترین مبارزه دولت رضاشاه، علیه مذهب و روحانیت موجود، قلمداد می شود. و به خاطر اهمیت این موضوع، بسیار طبیعی است که حساسیت دولت حاکم

-نسبت به روحانیت- پس از موضوع کشف حجاب بیش تر می شود. و احتمالاً به همین سبب موضوع مؤسسه وعظ و خطابه، به فاصله کمی پس از اعلام رسمی کشف حجاب^۷، طرح می شود.

به توجه به انگیزه های فوق، احتمالاً طراحان دولت رضاشاه به این نتیجه رسیدند که علاوه بر کنترل و نظارت بر روحانیت، لازم است به کار و فعالیت فرهنگی کوتاه مدت، سعی در تغییر اندیشه و تفکر روحانیت شود. و این کار جز با تشکیل مؤسسه وعظ و خطابه میسر نمی شد. البته در آن زمان فعالیت دانشکده معقول و منقول آغاز شده بود؛ ولی این فعالیت در درازمدت تاثیر خود را می بخشید؛ و در آن زمان دولت حاکم بیش تر به فکر راه حل های کوتاه مدت بود، تا دل بستن به برنامه های درازمدت.

۲- اهداف و تشکیلات:

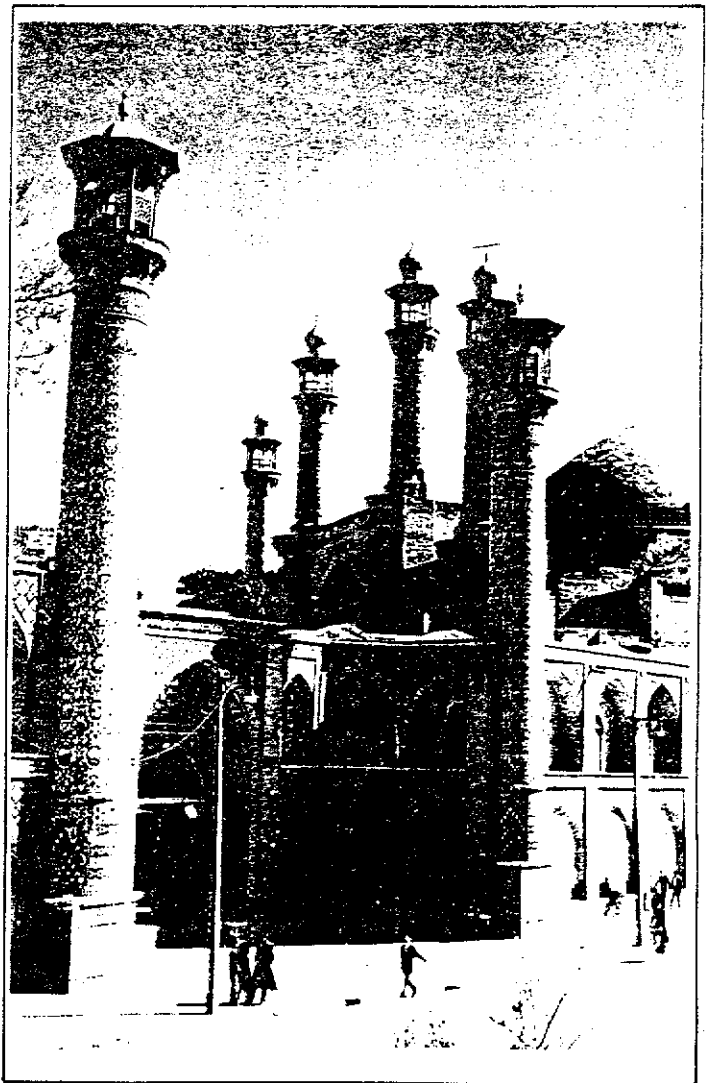
الف) برطبق ماده اول فصل اول اساس نامه مصوب ۱۹ خرداد ۱۳۱۵ ش (سند شماره ۴) هدف از تشکیل مؤسسه مزبور، تربیت اکابر می باشد. در ماده دوم قید شده «وعاظی که سوء سابقه نداشته



مسجد سه سالار محل تشکیل کلاسهای مؤسسه وعظ و خطابه

باشند، و برای وعظ و خطابه معلومات کافی داشته، از طرف وزارت معارف تعیین، و برای تربیت اکابر فعالیت می‌کنند. در صورتی که بخش پایانی ماده ششم این چنین است: «پس از خاتمه دوره اول مدرسه وعظ و خطابه، فقط کسانی حق وعظ خواهند داشت که یا امتحانات مربوط به این شعبه [منظور مؤسسه وعظ و خطابه است] را گذرانده، و بر طبق نظامنامه مخصوصی جواز وعظ [که در واقع همان جواز عدمه است] داشته باشند.» به نظر می‌رسد نوعی تناقض در ماده دوم، و بخش دوم ماده ششم وجود دارد. در آنجا قید «از میان کسانی که» یعنی بخشی از روحانیت، منظور نظر می‌باشد، که پس از دیدن آموزش‌های مربوط، برای تربیت اکابر تعیین می‌شوند. در صورتی که بخش دوم ماده ششم بر کلیه روحانیت دلالت دارد.

ب) تذکر این نکته بسیار به جا است که اساس نامه مزبور، مخصوص تربیت اکابر بوده، از سه فصل تشکیل می‌یابد، که به ترتیب عبارتند از: فصل اول: مجالس وعظ و خطابه؛ فصل دوم:



مسجد آزادی

کنفرانس‌های عمومی؛ فصل سوم: تعلیم تاریخ معاصر. هر کدام از موضوعات فوق، دارای اهداف جداگانه و برنامه‌های خاص خود می‌باشد.

هدف از کنفرانس‌های عمومی: «[بیان] خطابه‌هایی در زمینه مسائل تاریخی، اخلاقی، صحیحی، ادبی، اجتماعی و اصول تجددخواهی و میهن‌پرستی و شاه‌دوستی و آشنا نمودن عموم به ترقیت روزافزون کشور در عصر جدید» بود.

و هدف از تعلیم تاریخ معاصر: «[آموزش] اهمیت عصر جدید ایران به شاگردان در دانش‌سراهای عالی و دانش‌سراهای مقدماتی و مدارس ابتدایی و متوسطه» می‌باشد.

ج) در فصل اول اساس نامه مربوطه، پیش‌بینی تشکیل «مدرسه‌ی مخصوص وعظ و خطابه» در دانشکده علوم معقول و منقول شده، که تربیت وعاظ صالح را بر عهده داشت.

د) مؤسسه وعظ و خطابه، با توجه به ماده ۲ فصل اول اساس نامه، در آنجا که تصدیق صلاحیت و عدم سوءسابقه وعاظ مطرح می‌شود، با شهربانی در تماس بوده، و کار فوق به عهده شهربانی می‌باشد.

ه) بودجه این مؤسسه از در طریق تامین می‌شد. آن قسمتی از بودجه که مربوط به دبیرستان و تشکیلات مؤسسه (نظیر پرداخت حقوق معنیین و...) بود، از طریق بودجه دولتی تامین می‌شد. و هر سال در بودجه کل معارف، بخشی به تامین هزینه‌های این مؤسسه اختصاص می‌یافت. بخشی دیگر از هزینه این مؤسسه، مربوط به تامین هزینه معیشت وعاظی می‌شد، که در ارتباط با مجالس وعظ و خطابه فعالیت می‌کردند. ماده سوم از فصل اول اساس نامه «اوقاف مجهول‌المصرف معتذرالمصرف، بریات مطلقه» را محل تامین بودجه مزبور دانسته؛ و در نتیجه، بودجه کلی مؤسسه، از دو محل اوقاف و دولت تامین می‌شد.

و) ماده سوم از فصل اول اساس نامه مزبور، بودجه فوق را به منظور «استخدام وعاظ»، در جهت اجرای اهداف مذکور تامین می‌نماید. و در اصلاحیه‌ای که در تاریخ ۶ تیر ۱۳۱۵ ش (سند شماره ۵) بر ماده مزبور افزوده می‌شود، بودجه‌ای که از محل اوقاف تامین می‌گشت، «جهت کمک به معیشت وعاظ» در نظر گرفته شد.

با توجه به موضوعات فوق‌الذکر، مسائل زیر روشن می‌شود:

۱-۲- وجود مغایرت در ماده ۲ و ۶، در خصوص برخورد با روحانیت، و همچنین مختصر بودن فصل اول اساس نامه، که مربوط به موسسه می‌شود، بیانگر نوعی از شتاب‌زدگی در خصوص آغاز کار

مؤسسه می باشد.

۲-۲- نکته اساسی در مورد بن اساس نامه، وجود سه بخش جداگانه در آن است؛ به این نحو که همزمان با شروع کار مجالس خطابه، و گسترش تعالیم مربوط به تاریخ معاصر، فعالیت مؤسسه وعظ و خطابه آغاز می شود. به عبارتی دیگر با توجه به این اساس نامه، می توان این نکته را مطرح نمود که احتمالاً فعالیت مؤسسه مزبور، در بستر یک سلسله فعالیت فرهنگی قرار گرفته، و به عنوان جزئی از یک طرح کلی تربیتی باید تلقی شود.

۳- کتب و مواد درسی:

هر دوره تحصیلی مؤسسه مزبور دو سال طول می کشیده؛ که هر سال متعلمین، دروس اختصاصی و همچنین دروس مشترک را می گذرانند. (سند شماره ۶) مجموعه مواد اختصاصی سال اول و مواد مشترک آن، ۱۷ ساعت در هفته بود؛ و مجموع ساعات دروس اختصاصی و عمومی سال دوم، بالغ بر ۱۶ ساعت می شد. مؤسسه به دو طریق، خدمات آموزشی خود را ارائه می داد. در تهران، به واسطه تشکیل کلاس ها، و در شهرستان ها طرح آموزش مکاتباتی در جریان بود؛ به این طریق که هریک از دروس را به صورت جردی چاپ می کردند و برای شهرستان ها می فرستادند (سند شماره ۷) و کسانی که در مؤسسه عضو بودند، موظف به خواندن آنها می شدند. و در پایان هر سال، در امتحان نهایی - که در محل مؤسسه در تهران برگزار می شد - شرکت می کردند و در صورت قبولی، به مرحله بالاتر (سال دوم)، و یا به اخذ مدرک مؤسسه نائل می آمدند. از سویی دیگر، مقررات مربوط به سن و تحصیلات شرکت کنندگان نیز حائز اهمیت است؛ در تهران افراد بیش تر از ۳۵ سال ۱۷ نمی توانستند در این مؤسسه شرکت کنند، ولی در شهرستان ها، احتمالاً شرط سنی وجود نداشته است. شرط عمومی درخصوص پایه تحصیلات، «دارا بودن معلومات فارسی و عربی در حد دوره دوم متوسطه بود»؛ موضوعات درسی و مقدار هریک از آنها، طی سندی بازگوشده است.^{۱۸}

۴- داوطلبان:

به علت تغییراتی که در شیوه گزینش مؤسسه در ابتدای کار رخ داد، بهتر است مروری بر شرایط این داوطلبان داشته باشیم. همان طور که قبلاً گفته شد، براساس تصویبیه ۳ شهریور ماه، در مورد تحصیلات تکمیلی مؤسسه (سند شماره ۶) در شهرستانها، ملاک پذیرش افراد، داشتن تحصیلاتی در حد دوم متوسطه بود؛ ولی به دلیل این که اکثر قریب به اتفاق معتمنین در آن زمان، اولاً تحصیلاتشان در حد مورد لزوم نبود، ثانیاً سنین آنان نیز متفاوت بود

- عینی الخصوص عده ای از محبتین و وعظ و روحانیونی که سنشان زیاد بود، نمی توانستند بازدهی خوبی در کلاسها داشته باشند - این بود که در تیر ماه ۱۳۱۵ ش پس از گفتگوها و تشکیل کمیسیون ها، قرار بر این شد که روحانیون به دو دسته تقسیم شوند، عده ای کمتر از ۳۵ سال، و عده ای بیش تر از ۳۵ سال؛ که از آنها به عنوان پیرمردهای محدثین تعبیر می شه. طبق رأی نهایی این کمیسیون، افرادی که کم تر از ۳۵ سال سن دارند، یا باید در کلاس های مؤسسه وعظ و خطابه شرکت کنند، و یا به لباس متحدالشکل درآیند. افرادی نیز که بیش از ۳۵ سال سن دارند، نیازی به شرکت در کلاس های مربوطه نداشتند. (سند شماره ۸ و ۹) درخصوص افرادی که بین ۳۵ سال و ۴۵ سال سن داشتند نیز - به دلیل قلت فرد شرکت کننده - پس از مکاتباتی چند، قرار شد به آنها ابلاغ کنند که در کلاس های مزبور شرکت نمایند، وگرنه به لباس متحدالشکل درمی آیند. (سند شماره ۱۰)

۵- برخورد با روحانیون:

در نهایت مؤسسه وعظ و خطابه، فعالیت رسمی خود را از ۲۵ مهر ماه (سند شماره ۹) ۱۳۱۵ ش آغاز کرد؛ کلاس ها تشکیل شد و تا اول مهر ماه ۱۳۱۷ ش فعالیت این مؤسسه ادامه داشت. (سند شماره ۱۲) درخصوص چگونگی برخورد روحانیون با مؤسسه، اسناد کمی در اختیار است. در مجموعه سند شماره ۱۰ انعکاس از عدم استقبال روحانیت دیده می شود (گزارش حکومت تهران به رئیس الوزراء در تاریخ ۳۰/۷/۱۳۱۵ ش، به نمره ۴۱۱۴). گذشته از این نمونه، چندین مورد دیگر نیز در رابطه با درخواست شرکت، در موسسه و جواز وعظ و خطابه روحانیونی که در این موسسه تحصیل می کرده اند، وجود دارد. (سند شماره ۱۱) نمونه های مزبور از سال ۱۳۱۶ ش تا ۱۳۲۲ ش را در بر می گیرد، و نشان دهنده این واقعیت است که پس از برچیده شدن مؤسسه مزبور، هنوز قوانین و مقررات آن به اعتبار خود باقی بوده است؛ و روحانیونی که کلاس مزبور را نگذرانده بودند، باز هم نمی توانسته اند به فعالیت خود ادامه دهند؛ و حکومت مانع فعالیت آنها می شده. (اسناد ۱۲ و ۱۳)

پس از برچیده شدن مؤسسه وعظ و خطابه، مؤسسه ای که درخصوص کنترل روحانیت تأسیس شده بود، بقیه اهرم های کنترلی که از سوی دولت حاکم رضاشاه، درخصوص فعالیت روحانیت، از آنها استفاده می شد، کما فی السابق فعال بودند؛ حتی در دوره ای که مؤسسه وعظ و خطابه در آغاز راه تأسیس بود این اهرم ها به فعالیت خود ادامه می دادند^{۱۹} و صدور جواز روحانیت - «یا همان جواز عمامه» - کماکان معمول بود^{۲۰}. مجموعه سندی مرتبط با

اعمال فشار دستگاه حاکمه بر روحانیت — و درخصوص تغییر لباس آنان و عکس العمل عده‌ای از روحانیون در شهرهای بروجرد و تهران و یزد — وجود دارد^{۲۱}. و در نهایت، وضعیت صدور گواهی نامه‌های جواز عمامه را در سال ۱۳۱۸ ش، یک سال پس از انحلال مؤسسه وعظ و خطابه، در سند شماره ۱۴ می‌توان ملاحظه نمود. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، یکی از شرایط صدور پروانه برای طلاب، داشتن گواهی نامه از وزارت فرهنگ (وزارت معارف) می‌باشد، که مقصود از این گواهی نامه احتمالاً همان گواهی نامه گذراندن دوره دو ساله مؤسسه وعظ و خطابه می‌باشد.

مؤخره:

آشنایی مختصری با آنچه که تاکنون در لابه‌لای اسناد سازمان ملی ایران یافت شده است، مروری مجدد و کلی بر چگونگی کار و فعالیت این مؤسسه را ضروری جلوه می‌دهد. بخش پایانی مقاله را به بیان علل انحلال مؤسسه مزبور اختصاص می‌دهیم. تشکیلات مؤسسه وعظ و خطابه، پس از عمری بسیار کوتاه، (رسماً دو سال، و به‌طور غیر رسمی تقریباً نزدیک به سه سال) منحل شد؛ در این خصوص می‌توان موارد ذیل را بر شمرد:

الف) احتمالاً یکی از علل انحلال، وجود مشابهت میان فعالیت دو ارگان مؤسسه وعظ و خطابه، و دانشکده معقول و منقول بود. با توجه به نزدیکی محتوای دروس هر دو ارگان مزبور، وابستگی تشکیلاتی آنان به یکدیگر، احتمالاً با مقداری تغییر مختصر، دانشکده همان فعالیت مؤسسه را می‌توانست ارائه کند.

ب) یکی دیگر از علل، می‌تواند کمبود بودجه باشد. بدین معنا که در دوره رضاشاه، مقدار بسیار کمی از بودجه کل کشور به وزارت معارف اختصاص می‌یافت؛ و چون سال‌های ۱۸-۱۳۱۴ ش نیز از دوره‌های بسیار فعال وزارت خانه مزبور بود، به همین سبب، کمبود بودجه، یکی از مواردی است که می‌توانست به‌طور طبیعی، علت ملغی شدن بسیاری از فعالیت‌های وزارت معارف (منجمله فعالیت مؤسسه) باشد.

ج) در حین بررسی اسناد مؤسسه، به چند مورد از شتابزدگی‌هایی که درخصوص اساس نامه و برنامه‌ریزی مؤسسه مزبور انجام شده بود، برمی‌خوریم؛ و لازم است یادآور شویم، این احتمال وجود دارد که یکی از علل انحلال مؤسسه مزبور، همین شتابزدگی در برنامه‌ریزی‌های آن باشد.



یکی از مجالس وعظ و خطابه

د) وجود روحیه پلیسی و نظامی در دولت حاکم، باعث عدم انعطاف پذیری دولت می شده؛ بدین معنی که راه حل های سریع و خشک و قاطع نظامی بیشتر مورد پسند دولت رضاشاه قرار می گرفت؛ و طبیعتاً راه حل های فرهنگی از اهمیت ثانوی برخوردار بودند. تشکیل مؤسسه، احتمالاً در نتیجه تلاش عده ای از نظریه پردازان دوره رضاشاه بود؛ و ایشان باعث به وجود آمدن تشکیلات مزبور شده اند؛ زیرا بسیار بعید است که تشکیل و برنامه ریزی مؤسسه از سوی رضاشاه - نظامی بی سواد - و یا دیگر امرای ارتش صورت گرفته و پیش نهاد شده باشد. و در ضمن عدم تطبیق و سنخیت روحیه نظامی و بافت خشن دولت حاکم، با چنین برنامه های فرهنگی را نیز احتمالاً می توان جزو علل انحلال مؤسسه مزبور دانست.

ه) به عنوان آخرین احتمال، می توان در کل، از عدم استقبال روحانیت از طرح مزبور، و عدم شرکت افراد در کلاس های آن، به عنوان مهم ترین عامل انحلال این مؤسسه یاد کرد. زیرا همان گونه که در بررسی اسناد یادآوری شد، در ابتدای کار که تمام هم و غم دولت مردان، بر شرکت هر چه بیشتر و گسترده تر روحانیت مؤسسه مزبور قرار داشت، تعداد افراد شرکت کننده آن قدر کم بود که مجبور شدند ملاک سنی را از ۳۵ سال به ۴۵ سال برسانند. و احتمالاً در سال بعد هم به دلیل شرکت بسیار کمتر روحانیون، برنامه ریزان این مؤسسه، و وزارت معارف به این نتیجه رسیدند که وجود مؤسسه - برای این تعداد اندک - بیهوده است و ناگزیر تصمیم به انحلال آن گرفتند.

در تحلیل نهایی، فعالیت مؤسسه را می توان در دو مجموعه، و از دو دیدگاه، مورد بررسی قرار داد:

۱ - مؤسسه وعظ و خطابه را جزئی از سیستم و کارکرد دولت حاکم برعلیه روحانیت بدانیم؛ که در این سیستم، برنامه «جواز عمامه» و فعالیت «دانشکده معقول و منقول» جای دارد.

۲ - از سوی دیگر، با توجه به این که اساس نامه مؤسسه وعظ و خطابه، همراه با اساس نامه کنفرانس ها آمده، و یکی از اهداف آن نیز تبلیغ سیاست های رژیم حاکم بود، و همچنین با عنایت به عمر بسیار کوتاه آن، و به خصوص با توجه به این که در همان هنگام انحلال مؤسسه وعظ و خطابه، سازمان پرورش افکار، مهم ترین ارگان تبلیغی دولت در سه سال آخر سلطنت رضاشاه، در تدارک برنامه های تبلیغی بسیار وسیع و منظمی بود، می توان این احتمال را طرح نمود که مؤسسه وعظ و خطابه، جزئی از یک طرح بزرگ تبلیغی بود که می بایست در تمام جوانب پیاده شود. این طرح گسترده، پس از مدت کوتاهی، با شکست مواجه شده، سازمان پرورش افکار جایگزین آن

می شود.

به دیگر سخن، مؤسسه وعظ و خطابه، در این تحلیل، در داخل یک طرح گسترده تبلیغی جای دارد، و نمی توان از آن به عنوان یکی از راه های برخورد دولت حاکم با روحانیت نام برد.

در نوشتار حاضر، احتمالاً صحت تحلیل اول، یعنی این که مؤسسه وعظ و خطابه به عنوان راهی برای مبارزه با روحانیت تأسیس یافته بود، بیشتر در نظر گرفته شده است، و مبنای تحلیل مقاله، همین موضوع می باشد.

توضیحات:

۱ - عیسی صدیق، تاریخ فرهنگ ایران، انتشارات دانشگاه تهران، شماره ۵۶۷. گنجینه تحقیقات ایرانی شماره ۲۵، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۴۹ ش.

۲ - یحیی دولت آبادی، حیات یحیی، ج ۴، ص ۴۳۵-۴۲۵، از انتشارات کتابخانه ابن سینا، تهران، ۱۳۳۱ ش.

۳ - سینا واحد، قیام گوهرشاد، ص ۳۷ و ۳۶، شرکت سهامی چاپخانه (وزارت ارشاد اسلامی)، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۱.

۴ - مجله تعلیم و تربیت در مرداد ماه ۱۳۱۷ ش به مجله آموزش و پرورش تبدیل شد.

۵ - عنوان موضوع «موسسه وعظ و خطابه، گامی به سوی انهدام روحانیت» می باشد. سینا واحد، همان منبع، ص: ۳۷ و ۳۶.

۶ - واقعه شیخ محمد رضا بافتی، در نوروز سال ۱۳۰۶ ش اتفاق افتاد، برای توضیح بیشتر رجوع شود به: مسعود بهنود، دولت های ایران از سید ضیاء تا بختیار ص ۹۵، سازمان انتشارات جاویدان، چاپ اول، تهران، بهار ۱۳۶۶.

۷ - به عنوان نمونه: نهمین بند از تصمیمات اتخاذ شده در جلسه مشورتی معارفی سال ۱۳۱۵ ش چنین است:

راجع به تأسیس شعب مقدماتی معقول و منقول مقرر گردید در هر یک از ایالات و ولایات آقایان رؤساء معارف، با فراهم شدن وسایل، به تأسیس شعب سابق الذکر اقدام نمایند، مشروط بر این که دروس این دبیرستان ها با شرکت لیسانس های جوان و فضلاء دانشمندان محلی به صورت جدی تنظیم گردد: مجله تعلیم و تربیت، سال هشتم، شماره ۱، ص ۴۷.

۸ - محمد رضا شاه که در آن موقع ولیعهد بود، طی دیداری از مؤسسه وعظ و خطابه (در اواخر سال ۱۳۱۶ ش) چنین می گوید:

«لازم نیست که این نکته را تذکر دهم که چه اندازه وظیفه و تکلیف دانشجویان این دانشکده مهم است، همین قدر کافی است که این را بگویم که موضوع اصلی آنها جنگ و مبارزه بر ضد اوهاام و خرافاتی است که سالیان دراز دماغ این ملت را فرسود، و ناتوان ساخته بود...»، مجله تعلیم و تربیت، سال هشتم، شماره ۱ و ۲، ص ۱۵۶.

۹ - اساس نامه و برنامه این دانشکده در تاریخ ۸ خرداد ماه سال ۱۳۱۳ ش از تصویب شورای عالی معارف گذشت. مجله تعلیم و تربیت، سال هشتم، شماره ۱، ص ۱۴۴.

۱۰ - اصطلاحی است که مهدی قلی هدایت (مخبرالسلطنه) به موضوع کشف حجاب داده است، به نقل از: حسین مکی، تاریخ بیست ساله، ج شش، ص ۲۶۸. نشر ناشر، تهران، ۱۳۶۲.

۱۱ - ر. ک، حسین مکی، همان منبع، ص ۲۷۲-۲۵۱.

۱۲ و ۱۳ و ۱۴ - منبع فوق، ص ۲۵۸-۲۵۲.

۱۵ - سینا واحد، قیام گوهرشاد.

۱۶ - تاریخ اسلام رسمی موضوع کشف حجاب، ۱۷ دی ۱۳۱۵ ش می باشد. در روز نهم اسفند ماه ۱۳۱۴ ش علی اصغر حکمت طی سخنانی می گویند:

«عزید اوقاف که غالباً خلاف نظر وقت صرف زندگانی عده ای از اشخاص جاهل بی سواد می شود، برای تهیه مجالس وعظ و خطابه، بر طبق احتیاجات فعلی، به منظور تنویر افکار عامه و... اختصاص داده شود...»
مجله تعلیم و تربیت، سال ششم، شماره اول، ص ۴۶.

۱۷ - در متن سند، قید ۲۵ سال شده است، درحالی که با توجه به اسناد دیگر به نظر می رسد، ۳۵ سال صحیح و کلمه ۲۵ سال یک اشتباه تایپی باشد.

۱۸ - ر. ک: اسناد وزارت معارف، (سری الف)، کد ۵۱۰۰۶، پاکت ۴۹۷.

۱۹ - ر. ک: اسناد وزارت معارف، (سری الف)، کد ۵۱۰۰۶، پاکت ۶۱۰.

۲۰ - ر. ک: اسناد وزارت معارف، (سری الف)، کد ۵۱۰۰۶، پاکت ۴۹۷.

۲۱ - ر. ک: اسناد وزارت معارف، (سری الف)، کد ۵۱۰۰۶، پاکت ۶۱۳.

۲۲ - ر. ک: اسناد وزارت داخله، آلبوم ۴۷، پاکت: ۹۵۳.

۲۳ - ر. ک: اسناد وزارت داخله، آلبوم ۴۷، پاکت: ۹۳۴.

۲۴ - تاکید از متن است.

۲۵ - وزیر داخله وقت حسین سیمی بود.

۲۶ - ر. ک: اسناد وزارت معارف، (سری ب)، آلبوم ۱۹، پاکت ۴۰۴.

۲۷ و ۲۸ و ۲۹ - ر. ک: اسناد وزارت معارف، (سری ب)، آلبوم ۲۰، پاکت ۴۳۱.

۳۰ - ر. ک: اسناد وزارت معارف، (سری ب)، آلبوم ۲۳، پاکت ۴۷۶.

۳۱ - تاکید از متن است.

۳۲ - ر. ک: اسناد وزارت داخله، آلبوم ۴۷، پاکت ۹۵۳.

۳۳ - ر. ک: اسناد نخست وزیری، کد ۱۰۸۰۰۳.

۳۴ - رئیس الوزرای آن زمان محمود جم بود.

۳۵ - ر. ک: اسناد نخست وزیری، کد ۱۰۸۰۰۳.

۳۶ - ر. ک: اسناد نخست وزیری، کد ۱۰۸۰۰۳.

۳۷ - ر. ک: اسناد نخست وزیری، کد ۱۰۸۰۰۳.

۳۸ - نخست وزیر وقت محمود جم بود.

۳۹ - در اصل: جهة.

۴۰ - نخست وزیر وقت محمود جم بود.

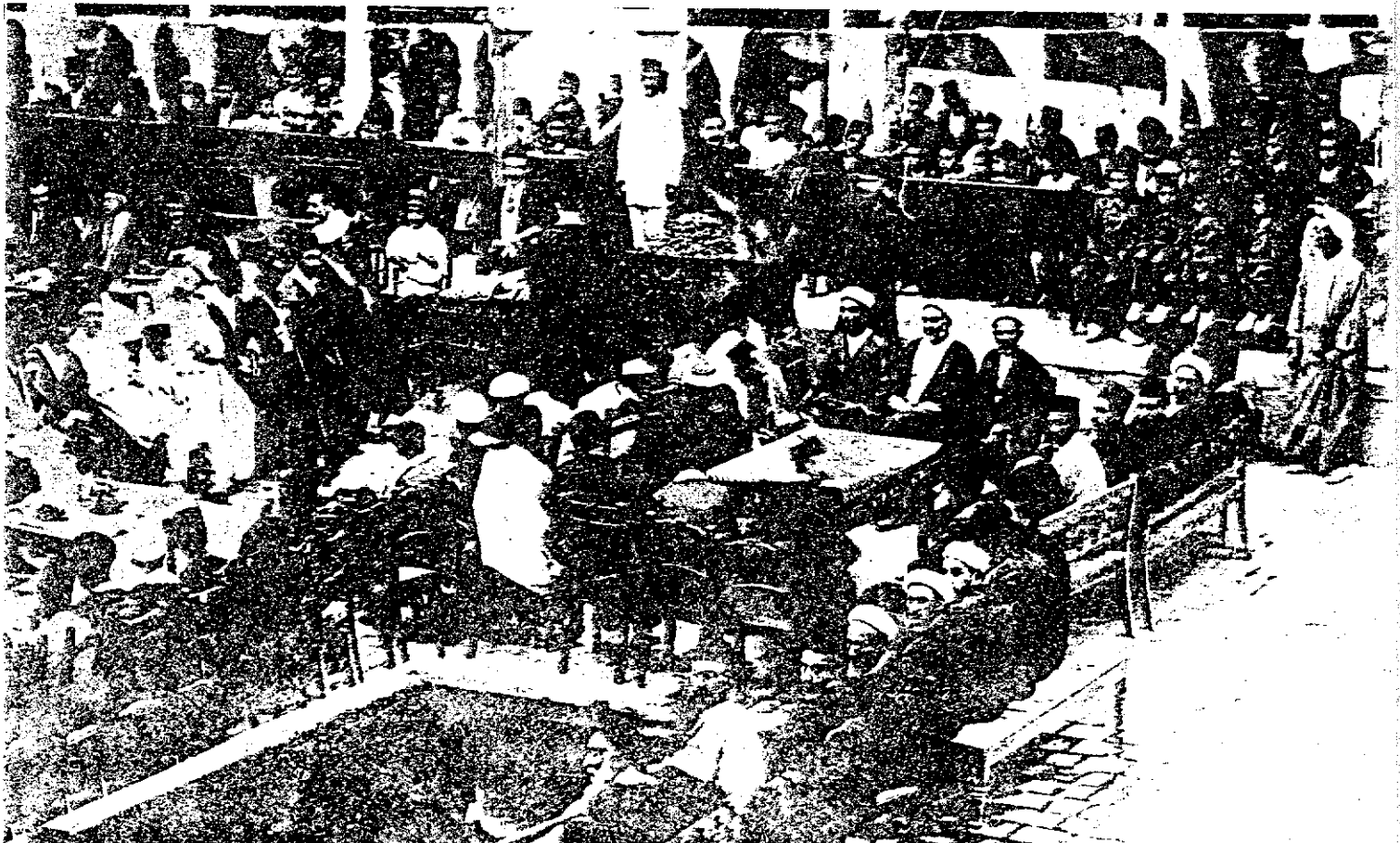
۴۱ - ر. ک: اسناد نخست وزیری، کد ۱۰۸۰۰۳.

۴۲ - نامه در اصل فاقد تاریخ است، ولی در زیر آن مهری با مضمون زیر وجود دارد:

«ورود به دفتر ریاست وزرا، شماره ۱۵۳۰، تاریخ ۱۸/۲/۳».

۴۳ - ر. ک: اسناد وزارت داخله، آلبوم ۴۷، پاکت ۹۵۳.

۴۴ - ر. ک: اسناد وزارت داخله، آلبوم ۴۷، پاکت ۹۳۴.



مجلس شورای ملی در سال ۱۳۱۵

سند شماره ۱

[وزارت داخله، اداره کل تشکیلات نظمی مملکتی، ناحیه شرق، نظمیہ مشہد، نمره ۷۲۱، ضمیمه ۲ به تاریخ ۱/۱۸/۱۳۰۸] ۲۲
نظر به احکام حضرت حجة الاسلام آقای حاجی سید ابوالحسن مجتهد اصفهانی دامت برکاته و مرحوم حجة الاسلام آقای شریعت اصفهانی طاب ثراه و سایر حجج الاسلام عتبات مقدسه جناب مستطاب شریعتمدار آقای آقا سید محمدرضا مجتهد بختیاری دامت افاضاته از پوشیدن لباس متحدالشکل معاف هستند—
رئیس نظمیہ ناحیه شرق— سرهنگ نوائی [امضاء] نوائی [مهر] اداره نظمیہ ناحیه شرق ۱۳۰۵.

سند شماره ۲

[وزارت داخله، اداره کل تشکیلات نظمیہ مملکتی، دایره کابینه، نمره ۸، به تاریخ ۷ فروردین ۱۳۰۸] ۲۳
محرمانه است ۲۴
مقام محترم وزارت جلیله داخله ۲۵

بر اثر صدور و نسخه متحدالمال از مرکز راجع به اجرای قانون اتحاد شکل البسه از نظمیہ همدان راپرت می دهند کلیه معممین همدان که عده آنها بالغ بر ۱۳۵ نفر می باشد اجازه اجتهاد یا محدثی تحصیل کرده و از اداره حکومتی جواز ابتداء عمامه خود را دریافت نموده اند علاوه بر اینکه از معممین کسر نشده ممکن است با این ترتیب بر عده فعلی آنها نیز افزوده شود و به طوری که معلوم شده مجتهدینی که تصدیق محدثی به اشخاص می دهند بدون هیچ ملاحظه و دقت هرکس به آنها مراجعه می کند تصدیق می دهند و مایلند که بر عده معممین افزوده شود فعلاً به این طریق قضیه در جریان است و اجرای حکم با این حال صورت خوشی نداشته و نتیجه معکوس خواهد شد—

رئیس کل تشکیلات نظمیہ مملکتی— سرتیپ درگاهی— [امضاء]

در حاشیه سند آمده است:

اداره دوم

شرحی در این خصوص لازم است به معاون حکومتی بطور محرمانه نوشته شود این روزها راپرت میدهند این عده کثیر از کجا مدعی اند چرا شما اینقدر در کارشان و در اجرای قانون مسامحه ورزیده اید البتہ توضیحات کافی در این خصوص بدهید و نهایت

دقت و مراقبت را در اجرای قانون بعمل بیاورید والا مسئولیت شدید متوجه شما خواهد شد.

۸/۱/۸

سند شماره ۸

[وزارت داخله، حکومت تهران ۳۱، ریاست الوزراء ۳۲]

عطف به مرقومه نمره ۳۵۱۱ راجع به رعایت سن آقایان پیش نمازها و دیگران که از ۳۵ سال بیشتر داشته باشند به استحضار محترم می رساند. اخیراً از وزارت معارف تقاضا شده است چون برای تشکیلات مجالس وعظ و خطابه مدرسه مخصوصی در دانشکده معقول و منقول تاسیس خواهد شد، و می خواهند از وجود جوانان محدث در مدرسه مزبور استفاده نمایند فعلاً معترض محدثینی که کمتر از چهل سال دارند نگردد. تا تکلیف آنان معین شود. چنانچه اجازه می فرمایند برای اجرای نظریه آن وزارت خانه به محدثین مزبور جواز موقتی شش ماهه داده شود تا هرکدام لایق قبول در مدرسه نباشند طبق امریه فوق با آنها رفتار شود.

سند شماره ۹

[وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره تعلیمات اکابر، نمره

۴۴۷۶۰/۲۴۳۷، به تاریخ ۷/۲۹/۱۳۱۵] ۳۳

مقام ریاست وزراء ۳۴

موسسه وعظ و خطابه که به موجب تصویب نامه نمره (۳۲۲۵) برای تربیت وعاظ صالح و لایق و تکمیل معلومات وعاظ فعلی باید تشکیل شود تأسیس و از روز ۲۵ مهر ماه رسماً شروع به کار کرده است برای اینکه داوطلبان ولایات به موجب ماده ۶ با اطمینان خاطر دروس موسسه را تعقیب نمایند متمنی است مقرر فرمائید به حکام ولایات دستور کافی صادر فرمایند که داوطلبان موسسه وعظ و خطابه را که ادارات معارف محلی معرفی خواهند نمود از حیث لباس مزاحم و معترض نشوند تا بتوانند دروس مدرسه را برای آنان ارسال نمود.

[امضاء علی اصغر حکمت]

[مهر] وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

سند شماره ۱۰

ریاست وزراء، تاریخ تحریر ۱۱ تان ماه ۱۳۱۵^{۳۶}

حکومت تهران و توابع

عطف به گزارش ^{۱۱۴} در موضوع امتناع ۳۱ نفر از معممین برای معرفی در کلاس وعظ و خطابه اشعر می شود که از طرف وزارت معارف و اوقاف به ۳۱ نفری که حاضر نشده اند ابلاغ شود عمامه خود را بردارند والا توسط شهربانی اقدام می شود.
رئیس الوزراء

سند شماره ۱۱

[وزارت فرهنگ ۱۷/۱۱/۱۸] ۳۷

مقام منبع بندگان حضرت اشرف نخست وزیر دامت شوکت^{۳۸}
خاطر مبارک را معطوف می دارد اینجانبان به واسطه شدت علاقه به شاهنشاه محبوب و میهن عزیز خود و اطاعت از مقررات با توجه به ماده ۷ تصویب نامه هیئت وزراء مورخه ۱ بهمن ۱۴ و ماده ۴ تصویب نامه ۱۹ خرداد ۱۵ دو سال تحصیلی بنگاه وعظ و خطابه را با موفقیت در امتحانات و تحمل ضررهای مادی و غیره به پایان رسانیده برای اینکه بتوانیم در جامعه روح شاه پرستی و میهن دوستی و سلحشوری را با طرز نوین تزریق نمائیم تا روز پانزده بهمن ۱۷ نیز انتظار اعطای گواهی نامه های خود بوده متاسفانه در چنین روز وزارت فرهنگ از این غایت خودداری کرد این اشخاصی که مدت دو سال عمر را به رنج و زحمت به جهت^{۳۹} تکمیل تحصیل گذرانیده با اشخاصی که از پی استفاده خود بودند مساوی است؟ یقین داریم در نظر بندگان حضرت اشرف مساوی نیست با آنکه خود حضرت اشرف نیز مُمضی تصویب نامه نامبرده بوده اید لذا از آن مقام منبع تقاضای عاجزانه می شود امر و مقرر فرموده وزارت فرهنگ گواهی نامه های این بندگان را مرحمت فرمایند که آسوده خاطر مشغول دعا گوئی به ذات مقدس ملوکانه بوده باشیم

با تقدیم احترامات فائمه -

- از طرف جمعی فارغ التحصیلان بنگاه وعظ و خطابه -

سند شماره ۱۲

مقام محترم منبع ریاست هیئت وزراء^{۴۰} دامت عظمته و شوکت^{۴۱}
پس از تقدیم ادعیه خالصانه، معروض می دارم این بنده سید هاشم (هاشمی نجف آبادی) از بدو امر تاکنون شغلم مصروف به

تسلیم و ترویج و دعا گوئی به ذات مقدس ملوکانه در مقر خود نجف آباد صفهان و سایر بلاد بوده و هست. و به نحو قناعت خود و دوایزه غیر عائله ام امرار معاش می نمودیم. و در بنگاه وعظ و خطابه شرکت نموده، مرتباً جزوات آن را اخذ، و طبق مفاد مقررات بنگاه مزبور رفتار نموده و می نمایم. لکن در اثر عدم اقتضای بودجه مسافرت به تهران و ابلاغ وزارت فرهنگ در سال اول در امتحان شرکت ننموده. سال دوم در خرداد ماه سال اول را امتحان داده مقرر شد که شهریور امتحان سال دوم داده شود که بنگاه مزبور برچیده شد و امتحان نکردند. فعلاً که وزارت فرهنگ به داوطلبان اعطاء گواهینامه می نماید. بنده را به جرم عدم اقتضای بودجه مسافرت و نبودن جلسه امتحان سال دوم برای اینجانب از اعطاء گواهینامه محروم فرموده اند نامه به وزارت مزبور تقدیم جواب یأس داده شد چون در ظل توجهات بندگان عیض حضرت همایونی این موقع مصادف است با اختر شادی والا حضرت و بنای آن مقام محترم دستگیری از فقراء و زیردستان به خصوص ذراری رسول بوده و هست برای صحت و استقامت ذات مقدس ملوکانه و احیاء عدد از ذراری رسول و هدر نرفتن زحمات حقیر از مقام محترم تمنا دارم مقرر فرمائید وزارت مزبور گواهی نامه به اینجانب مرحمت که فارغ این اشتغال به دعا گوئی داشته باشم. بدیهی است، فعلاً هم برای امتحان طبق مقررات حاضریم و امیدوارم مایوس نخواهد فرمود. ۲۲ زیاده امر امر مبارک است.

سند شماره ۱۴

اداره کل امور مرکز وزارت کشور

مورخه ۲۰/دیماه/۱۳۱۸

فرمانداری قم^{۴۴}

محرمانه مستقیم

در پاسخ نامه شماره ^{۱۸۷۶} راجع به صدور پروانه ^{۱۸/۵/۳۰}
مدرسین و محصلین بطوریکه از وزارت فرهنگ اشعار میدارند وزارت نامبرده در این امر فقط از جنبه تحصیلی و علمی مداخله نموده و از این لحاظ طرز عملی که تاکنون مجری بوده و هست بدین قرار است.
۱ - کسانی که از مراجع مستم تقلید گواهی نامه اجتهاد دارند باید گواهی نامه های خود را به اداره آموزش عالی تسلیم نمایند تا در کمیسیون مخصوص رسیدگی و در صورتیکه تصویب گردد گواهی نامه اجتهاد از وزارت فرهنگ برای آنها صادر شود و البته گواهی نامه هائیکه مورد رسیدگی واقع نشده و به تصدیق وزارت فرهنگ نیز نرسید هیچگونه اعتبار و ارزشی نخواهد داشت.

۲- ضابطه علوم دینی که در شهرستانها یا پایتخت تحت نظر ادارات فرهنگ به تحصیل مشغولند از ادارات فرهنگ گوهی نامه طلبه گس بری مدت یکسال دریافت مینمایند و اگر در آخر سال تحصیلی در جلسه امتحانی شرکت نمایند گواهی نامه آنها برای مدت یکسال دیگر هم تجدید میشود.

۳- ضابطی که سال سوه علوم دینی (رشته معقول یا منقول) را امتحان داده و بموجب تصدیق هیئت ممتحنه و صورت شمارهها پذیرفته شده باشند بگرفتن گواهی نامه مدرسی نایل می شوند. جز به حسب نامه برده بالا از وزارت فرهنگ گواهی نامه که با قانون البسه متحدالشکل مربوط باشد به کسی داده نمیشود.

راجع به دو طبقه از محدثین و معتمین که فرمانداری در پاریان گزارش خود اشعار داشته اند نمینوان تشخیص داد که در چه پایه و معلوماتی هستند نیز اشعری در اساساً کمیسیونهای تجدیدنظر برای تأمین همین منظور تشکیل گردیده که به مدارک علمی این قبیل اشخاص رسیدگی و طبق مقررات استحقاق آنها در استعمال لباس روحانیت مسلم گردد. قدغن فرمائید از همین قرار رفتار نموده و نتیجه را اعلام دارند.

رئیس دایره سیاسی کنفی اداره کل امور کشور از طرف وزیر کشور
امضا
۱۳۱۸.۱۰/۲۰
۱۸/۱۰/۲۰

بتاریخ ۱۵/۱۱/۱۹
شماره ۲۵۱۷۰۹
۲۹۵۳۱
بیوست



وزارت داخله

موضوع اخطار بوعاظ راجع بحاضرین
شدن در مؤسسه وعظ اداره کل شهرستانی

ریاست وزراء

اداره سرکلانتری

دایره

محرمانه

عطف بنامه شماره ۴۶۲ معروض میدارد بکلانتریها دستور داده شد بوعاظ و اهل منبر اخطار نمایند در صورت خودداری از تحصیل در مؤسسه وعظ و خطابه از پوششکن لباس روحانیت ممنوع خواهند شد - رئیس اداره کل شهرستانی - سرپاس مختار

تاریخ ۱۳۰۸
مرد ۲۱ / ضمیمه ۲



دوره کل تشکیلات نظمیه مملکتی

ناحیه شرق
نظمیه مشهد

دوره

شعبه

نظر به حکم حضرت قبه الامام آقا میرزا محمد قاسم قزوینی در وقت برآمدن در وقت
آرزویت منتهی طالب راه یار بیخ الامام آقا میرزا محمد قاسم قزوینی
آقای میرزا محمد قاسم قزوینی در وقت برآمدن در وقت
آقای میرزا محمد قاسم قزوینی در وقت برآمدن در وقت

۱-۱

تاریخ ۷ شهریور ماه ۱۳۰۵

شماره ۸ ضمیمه

محرمه



اداره کتب و نشریات نظمیہ ممالک ہندی

تاج محمد حسن خلیفہ دہلوی

دارہ کاتبہ

برادر صدر محترم سید محمد جمال لکھنؤ مداح کمال قاریوں و کتابداران
 در نظر خود برداری در صورت بدین کتب معین برداری در صورت در نظر
 ۱۳۰۵ لغوی شد جان چوہدری لکھنؤ کتب و نشریات و در نظر خود برداری
 بقا و عطا شد در نظر خود برداری در صورت بدین کتب معین برداری
 الخ ترتیب رعایت فعلی در نظر خود برداری و بطوریکہ معلوم شد
 کہ تصریح کردہ بہر صورت برداری مدنی ہمچو در وقت ہر کس تا
 سکہ تصدیق بدینہ و مالک در رعایت معین در نظر خود برداری
 قصہ بصرانی است و در کتب حکم با افعال صورت محرمی مدستہ و
 سکرین خالیہ - سکرین لکھنؤ نظمیہ ممالک ہندی - برتریکہ ۵۲ -

دارہ کاتبہ
 سید محمد جمال
 لکھنؤ
 کتب و نشریات
 نظمیہ ممالک ہندی
 سید محمد جمال
 لکھنؤ
 کتب و نشریات
 نظمیہ ممالک ہندی
 سید محمد جمال
 لکھنؤ
 کتب و نشریات
 نظمیہ ممالک ہندی



تاریخ و بسمه در ۱۳۱۴
۱۳۴۴
بسمه

۲۶

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۱۳۱۴
۱۳۰۸

هیئت وزراء در جلسه اول بهمن ماه ۱۳۱۴ بر طبق پیشنهاد نمره ۱۰۵۵۶/۵۱۰۳۱ وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه تخریب رژیم روح نواقر نظامنامه امتحان طلاب و تشخیص مدرسون معقول و معقول مصوب ۱۵ اسفند ۱۳۰۷ مواد ذیل را بجای نظامنامه سابق تصویب نمودند:

ماده اول - همه ساله در ماه خرداد جلسه امتحانات طلاب در مرکز و ولایات از طرف وزارت معارف منعقد خواهد گردید.

ماده دوم - مواد امتحان مطابق مقررات ویرانه تست مفدماتی و نهائی دانشکده معقول و معقول خواهد بود.

ماده سوم - هیئت متحنه از مدرسین و اساتدان دانشکده معقول و معقول انتخاب خواهد شد.

ماده چهارم - در ایالات و ولایات تا وقتیکه دانشکده معقول و معقول و تست مفدماتی آن تاسیس نگردیده متحنین بر حسب تشخیص اداره معارف تعیین خواهند شد.

ماده پنجم - امتحانات مدرسی و اعطاء درجه علمی دانشکده فقط در دانشکده معقول و معقول در طهران بعمل خواهد آمد.

ماده ششم - طلابیکه در امتحانات غیر نهائی سالانه قبول میشوند تصدیقی از اداره تعلیمات مرکز و ادارات معارف ولایات دریافت خواهند نمود که درجه تحصیلات آنان در آن تصدیق قید شده باشد.

ماده هفتم - وزارت معارف یکسانیکه از مهده امتحانات نهائی دانشکده معقول و معقول بر اینند بر حسب پیشنهاد اداره دانشکده تصدیق مدرسی اعطاء خواهد نمود ولی درجه لیسانس فقط یکسانی داده میشود که بر طبق اساسنامه و مقررات داخل دانشکده شده و تحصیلات خود را ضابطه بیان رسانیده باشد.

ماده هشتم - معدنیکیکه مطابق بند (۶) از ماده دوم قانون متحد الشكل نمودن البسه من بعد اجازه روایت بدست آورند باید مدارک خود را بوزارت معارف ارائه دهند و وزارت معارف پس از تشخیص صلاحیت بایشان اجازه معدنی خواهد داد.

ماده نهم - اداره معارف تصدیق طلابی که اشتغال به تحصیل تست نهائی دارند همه ساله بجز در صورت صدور در طهران بوزارت داخله و در ولایات که دانشکده تاسیس شده باشد اداره حکومتی ارسال می دارد که بر طبق آن تصدیق معانت آنان را بموجب ماده دوم قانون دهم دیماه صادر کرده بخشداران بدهند.

ماده دهم - شاکردان تست متوسطه (مفدماتی) معقول خردان لقب نخواهند بود.

ماده یازدهم - وزارت معارف مقررات امتحانات را طبق صورتجلسه شورای عالی معارف وضع و متوقع اجرا خواهد گذاشت.

در ۱۳۱۴
۱۳۴۴
بسمه

ماده دهم - کسانیکه بموجب نظامنامه امتحان طلاب و مدرسین حسب (۱) اسفند ماه (۱) درجه مدرسی
و محدثی نائل شده اند مشمول مقررات این نظامنامه نخواهند بود .
ماده یازدهم - نظامنامه امتحان طلاب و تشخیص مدرسین علوم منقول و منقول مشتمل بر (۱۱) ماده که در
جلسه اسفند ماه ۱۳۰۷ هجرت وزراء بتصویب رسیده بود از تاریخ تصویب این نظامنامه منغی خواهد بود .
تصویب نامه در کابینه ریاست وزراء ضبط است .
رئیس الوزراء .



قسمت دوم - تربیت اکابر

۱ - اساسنامه

مصوب ۱۹ خرداد ۱۳۱۵

برای تربیت اکابر و روشن ساختن افکار عموم و حمایت افکار
شعبه جوان و دانش آموزان کشور و آشنا ساختن عامه باوضاع عصر
جدید ایران مقررات ذیل را هیئت وزراء در جلسه خرداد ۱۳۱۵
تصویب نمودند:

فصل اول - مجالس وعظ و خطابه

ماده ۱ - وزارت معارف و اوقاف برای تربیت اکابر مجالس
وعظ و خطابه در تمام نقاط تأسیس مینماید.

ماده ۲ - در مرکز و ولایات از میان وعاظ و اهل منبر کسانی
که بر حسب تصدیق اداره شهربانی سوء سابقه نداشته باشند و معلومات
کافی برای وعظ و خطابه داشته باشند از طرف وزارت معارف تعیین
خواهند شد.

ماده ۳ - وزارت معارف و اوقاف حقوق وعاظ و مخارج شالوار
عذا و خطابه را از محل اوقاف مجهول المصروف متعذر المصروف -
بریات مطلقه تأمین و برطبق نظامنامه که برای استخدام وعاظ وضع
میشود پرداخت خواهد نمود.

ماده ۴ - برای تربیت وعاظ صالح و لایق در دانشکده علوم
مقول و منقول مدرسه مخصوص وعظ و خطابه از طرف وزارت معارف
تأسیس خواهد شد.

ماده ۵ - وزارت معارف بر نامه تحصیلات آن مدرسه راتهییه کرده بش از تصویب شورای دانشگاه بموقع اجراء خواهد گذارد .
ماده ۶ - دروس مدرسه وعظ و خطابه برای وعاضی که از طرف وزارت معارف در ولایات تعیین میشوند مرتباً ارسال خواهد شد و آنها مکلفند دروس مزبور را حاضر نموده در امتحانات نهائی این شعبه شرکت نمایند .

پس از خاتمه دوره اول مدرسه وعظ و خطابه فقط کسانی حق وعظ خواهند داشت که یا امتحانات مربوط باین شعبه را گذرانده و یا بر طبق ظلمنامه مخصوص جواز وعظ داشته باشند .

فصل دوم - کفرانسهای عمومی

ماده ۷ - وزارت معارف در هر يك از شهرها چند محل مناسب برای ایراد خطابه تعیین خواهد نمود .

ماده ۸ - در این مجالس خطابه هائی در زمینه مسائل تاریخی اخلاقی - صحی - ادبی - اجتماعی و اصول تجدد خواهی و مبهن پرستی وشاه دوستی وآشنا نمودن عموم بترقیات روز افزون کشور در عصر جدید ایراد خواهد شد .

ماده ۹ - حضور در مجالس خطابه برای عموم آزاد است وای مخصوصاً اولیای دانش آموزان برای استماع خطابه دعوت می شوند و تذکرات لازم راجع بحاضر کردن اطفال برای مدرسه بآنها داده خواهد شد تا از لحاظ اجراء مقررات تعلیم وتریت با اولیای مدارس توجید مساعی وهمفکری نمایند .

ماده ۱۰ - کسانیکه برای ایراد خطابه در نظر گرفته میشوند

ماده ۱۶ - وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه موظف است نظامنامه های مربوط باین اساسنامه را تهیه نموده و بموقع اجراء بگذارد.

تصویب نامه در کابینه ریاست وزراء ضبط است.
رئیس الوزراء

سند شماره ۵

اصلاح ماده سوم اساسنامه

مصوب ۶ تیر ۱۳۱۵

هیئت وزراء در جلسه ششم تیر ماه ۱۳۱۵ تصویب نمودند که عبارت « برای استخدام و عاظ » در آخر ماده سوم تصویب نامه نمره (۳۲۲۵) ۱۹ خرداد ۱۳۱۵ بجای « برای کمک بمیش و عاظ » تبدیل و تصحیح شود.

تصویب نامه در کابینه ریاست وزراء ضبط است.
رئیس الوزراء

۳ - اساسنامه تحصیلات مؤسسه تکمیلی و عظم و خطایه

مهر ۲ شهریور ۱۳۱۵

ماده اول - بد تشکله علوم معقول و منقول مؤسسه برای تکمیل و عظم و خطایه منظم میگردد.

ماده دوم - موادی که محصلین این مؤسسه باید تحصیل کرده و امتحان دهند عبارت است از :

۱ - مواد مشترک سال اول و دوم .

علوم ادبی (صرف و نحو و قرائت و حفظ منتخبات از آیات قرآن و خطب و اشعار فصحاء فارسی زبان) در هفته ۴ ساعت

« ۱ »	اخلاق
« ۲ »	تفسیر
« ۲ »	تاریخ ایران و عالم
« ۲ »	علم الحدیث

۲ - مواد اختصاصی سال اول

در هفته دو ساعت	تاریخ ملل و نحل
« ۱ »	فیزیک
« ۱ »	تاریخ طبیعی
« ۱ »	حفظ لصحه

- معرفه النفس در هفته ۱ ساعت
- ۳ - مواد اختصاصی سال دوم
- تعلیمات مدنی در هفته ۱ »
- هیئت « « ۱ »
- تعلیم اصول و مواد نطق و خطابه « « ۲ »
- تدبیر منزل و سیاست مدن « « ۱ »
- ماده سوم - شرط ورود باین مؤسسه حداکثر سن ۲۵ سال و داشتن معلومات فارسی و عربی در حدود دوره دوم متوسطه خواهد بود.
- قبصره ۱ - کسانی از اهل منبر در مرکز یا ولایات که از ۲۵ سال بیشتر داشته باشند در این مؤسسه حق ورود دارند و در صورتیکه از عهده امتحانات مقرر برآیند باخذ گواهی نامه و عطا خطابه نائل خواهند شد.
- قبصره ۲ - دانشکده دروس طبع شده و وظائفی را که معین گردیده بنحو مقتضی در دسترس داوطلبان مرکز و ولایات خواهد گذاشت
- ماده ۴ - در طول مدت تحصیلی بدستور استادان از طرف محصلین خطابه هائی ایراد و انتقاد خواهد شد.
- برای این خطابه ها نمره داده شده و در آخر سال با معدل جمع می گردد.
- قبصره - ورود اشخاص در مجالس تمرین ممنوع نخواهد بود
- ماده ۵ - بمحصلین دانشکده علوم معقول و منقول نیز در صورتی که مواد اضافی این برنامه را امتحان داده و تمرینات را انجام دهند گواهی نامه داده خواهد شد.

ماده ۶ - هیئت معلمین مؤسسه مواد تفصیلی برنامه را همزمانه تعیین و بعد از تصویب شورای دانشکده علوم معقول و منقول بموقع اجرا میگذارد.

ماده ۷ - بشورای دانشکده علوم معقول و منقول اجازه داده می شود که بموجب پیشنهاد هیئت معلمین در ساعات دروس و مواد تفصیلی برنامه عنداللزوم تفسیراتی بدهد.

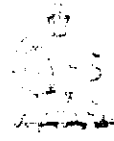
اساسنامه برطبق ماده هفتم تصویبنامه هیئت وزراء مورخ اول اول بهمن ۱۳۱۴ در تاریخ دوم شهریور ۱۳۱۵ در بیست و هشتمین جلسه شورای دانشگاه طهران تصویب شد.

رئیس دانشگاه
علی صغری حکمت

.....

اصل برنامه و دستور تعلیم اکابر و نظامنامه مدارس شبانه اکابر و نظامنامه طرز انتخاب و پیشنهاد و پرداخت حق الزحمه کارکنان مدارس شبانه اکابر دولتی در دست اداره تعلیمات اکابر ضبط است.

رئیس تعلیمات اکابر
فرهودی



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

تاریخ ۱۳۱۶ م / ۱۱ / ۱۰
شماره ۱۵۱۲۶ / ضمیمه روزنامه اطلاعات

۲۵

تعمیمات امیر

۵۱۰

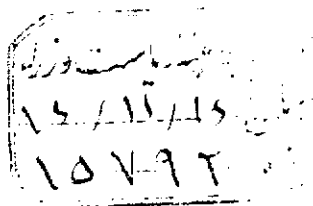
مقام ریاست وزراء

پیرونامه شماره سابق محتوای یک وره از روزنامه مؤسسه حفظ و خطابه
شام جزوات ذیل که جدیداً منتشر شده

- ۱- سال دوم معرفت‌النفس از صفحه ۶۷ تا صفحه ۱۰۰
- ۲- سال دوم فارسی از صفحه ۹ تا صفحه ۱۶
- ۳- سال دوم شیمی از صفحه ۹ تا صفحه ۲۴
- ۴- سال دوم تاریخ پیش از اسلام از صفحه ۱ تا صفحه ۱۶
- ۵- سال دوم اخلاق از صفحه ۱ تا صفحه ۱۶

برای ملاحظه انعام بد میمه تقدیم میشود متمنی است مقرر فرمایند
و به اول آنرا اعلام فرمایند -

وزیر معارف و اوقاف
زرکف



سند

۱۵۷۹۲

وزارت داخله



حکومت طهران

نمره

تاریخ

ضمیمه

ریاست وزراء

عطف بمرورده نمره ۳۵۱۱ راجع بر رعایت سن تقابلیان پیش نمازها و دیگران که از ۳۵ سال بیشتر داشته باشد با استحصار محترم میرساند . اخیراً از وزارت معارف تقاضا شده است چون برای تشکیلات مجالس وعظ و خطابه مدرسه مخصوص در دانشکده معتدل و متداول ناسپس خواهد شد و میخواهند از وجود جوانان محدث در مدرسه مزبور استفاده نمایند فعلاً متعرض محدودیت که کمتر از پهل سال دارند نگردد تا تکلیف آنان معین شود . چنانچه اجازه میفرمایند برای اجرای نظریه ان وزارتخانه به محدودیت مزبور جواز موقتی شش ماهه داده شود تا هر کدام لایق قبول در مدرسه نماید طبق امر به فوق با انمارفشار شود .



ل-۲۱۰

تاریخ ۲۹/۷/۱۳۱۵ ماه

۲۴۶۶۰

نمره ۲۴۴۳۷/۲ ضمیمه

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره ثبت اسناد

دایره

مقام ریاست وزراء

درست حفظ خطبه که برب سید خانبه نمره (۳۲۲۵۱) برابر ترتیب عادی

مدین بخت سادات و حافظ فتح با هم نگارند پس در روز ۲۵/۴/۱۳۱۵

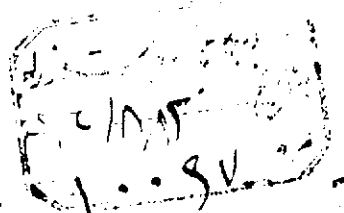
رأی شرح بقا لکم است برای اینم دارطین و مدت برب داده

با طین خاطر درونی رسد در تصدیق نامه تمسک است لغز و اسباب

مدیات و لغز صادر فرستد که دارطین در رسد حفظ خطبه را

در درات سادف من سرفه خوانده نمود از پیشانی تمام کوشش

با خواننده درونی در رسد در برای امانی لایق شود



Handwritten signature or note

سند شماره ۱۰

نوع مسودده نامه
موضوع مسودده
شعبه
مسئور یا کنویس



نوع شعری
نوع حصری
کارت
دوره

تاریخ اجراء ۱۱/۱۰/۱۳۱۵ تاریخ یا کنویس ماه تاریخ ثبت ماه ۱۳

مکاتب طرفه و مقابله

مخطوطه بگوشه شماره ۳۱۱۳ در مجموع پنج ۳۱ نفر از معینین به سرشناسی در خط
ده خط به ۲۲ مرتبه در طرفه و در دسترس طرفه و در وقت باقیمانده
بمدون و این ترتیب هر بانی که اقدام نماید . رئیس المراسم



تاریخ: ۱۳۲۲
شماره: ۱۳۸۵۶

۴۲
وزارت کشور ۵۹۸۷
استاداری هفتم

۹۱۱۳

تعمیرات وزارت کشور
شماره: ۹۵۲
تاریخ: ۱۳۲۲
وزارت کشور

آقای شیخ محمد جواد مصلح که از اجله علماء شیراز و از لحاظ
مراتب فضلی و معنوی و مرجعیت مورد قبول عامه میباشند در خواست
پروانه و عطف و خطابه مینمایند اینک بانظر موافق منضم است
مقرر فرمایند با مذاکره با وزارت فرهنگ پروانه مورد درخواست
را برای ایشان صادر و ارسال فرمایند.

کفیل استانداری هفتم

کوشا

که پروانه را که با وزارت کشور
مهر شده در حال نموده مدارک
ادوات مورد نیاز را جمع و در سر رسید
توجهت در کمیته وزارت فرهنگ
مقرر فرمایند.



وزارت داخله

اداره کتب و نشر

دایره

تاریخ پیکر شماره

شماره ۱۱۴

Handwritten notes:
و برادری از
تاریخ ۱۳۰۲/۸/۲
تاریخ ۱۳۰۲/۸/۲
تاریخ ۱۳۰۲/۸/۲
تاریخ ۱۳۰۲/۸/۲

این امریه شماره ۱۲۹ و مرتبه سرانجه شماره ۶۴۴۲ باقیان معدنی کلم سن آنها به چهارمیل و پنج سال بزرگترک دستند برار صامه داده شده و با آنها پنجم کسراسی رپی سال داشتند تدر داده شد پس از آنکه خود را بر صومعه و عذر حضا به مسری و شریع بنمیشند تدر داده براده شد .
بدان تدر بایند حده مستقیم برای بر صومعه حلی نم بردند با حساب اقای و بر مسراسراقت حاصل شد به یه معدنی در سترار بمیل و پنج سال دارند و پنجم امریه موق بلا تالیف مانده بودند اخبار شود بیا آنها هم بر صومعه و مرتبه خود را مسری نمایند جوار داده بشود . این تدریه اقدام رسمی از این بر بر یاداره کسراسی دعوت شده حذرا با آنها اختار گردید چنانچه تا (۱۵) مهرداه خود را به بر صومعه و عذر حضا به مسری نمایند بطاس متحدالشکل دعوت بشوند . در اقدام مدت تدریه لغت داده شد تا (۱۲) مهرداه اشخاص به باقیمانده اند بروند خود را مسری نمایند و صورت اسباب و تاد و پنج مهرداه و عذر حضا به مسری در اقدام مدت با آنها به استثنای تدریه با عذر مسلم شود .
اعمال این نامه شماره ۲۴۴۹/۹۱۵ وزارت مسارت تقاضا شده است بیون سی و یک تدراره تاد و پنج تدر بر صومعه تدر اند با آنها جوار داده نشود . لکن نظر باینکه مسری باقیان اخبار شده است در صورت عدم اسباب بطاس متحدالشکل دعوت میشوند و در امریه ساده مقرر نشده است اشخاص به جوار تدرینه باشند باید تدر بطاس بداند مراتب را بر صومعه رساننده تا در صورتیکه مقنعی دانسته باشند برای حفظ بر صومعه و عذر حضا به باقیان تدر مسلمون حلی آنها سی و یک تدر مرتبه بطاس متحدالشکل دعوت شوند .

Handwritten signature

۱۵/۸/۲
۱۳۰۲

۲۷
۳۵
۱۳۰۲

۱۶۱



اداره محترم

اداره

وزارت کشور

۱۳۱۱

نرس

شماره مورخه ۴/۴/۱۳۱۱ / وزارت که اصل آن شماره ثبت شد

فرمان رقم

کمانه

در تاریخ ۱۱/۵/۱۳۱۱ با صلح بر صدر پروانه مدرسی و محلی بنام وزارت فریبک شماره ۱۱۲۶

تأمین و در این امر نفع از نفع تحصیل علم حاصل نموده و از این لحاظ فریبک و تاکنون محترم است

۱- تا بعد از صلح علم علیه که این نام اتمام دارد باید که این نام را در اداره آموزش عالی اتمام
تا زمانی که این صلح در صورتی صورت گرفته که این نام اتمام از وزارت فریبک بر آنجا صادر شده و
اعلم نمودن صلح اتمام و وزارت فریبک نیز رسیده بگونه ای که در وزارت فریبک در دست

۲- صلح و در این امر نفع تا باقیات است نظر ادارات و فریبک بجهت تسویه از ادارات فریبک
که این نام علیه که در حال در میان است و اگر در آفرمال صلح در صلح اتمام فریبک این نام
آنها بر صورت کمال و در هر دو صلح

۳- صلح و در سال هم علم و در این امر نفع اتمام مستحق است در آستان درده و بعد از صلح اتمام
در صورت نامه این فریبک که باقی است بگونه ای که این نام در حال نام فریبک

۱۳۱۱



تاریخ

وزارت کشور

شماره مورخه وزارت کشور که اصل آن بشماره ثبت شد

فہمیتات بارہ بعد از وزارت فرہنگ و تعلیم و باقیادہ اہل علم و فن بر طبق
مبنی بر قانون

بجاء از قبضہ از اندیشہ و فرہمندی در میان کارکنان وزارت کشور بدین
بسیار و در وقت ہنرمند ہا و اساتید کلمہ از کلمہ فرہنگ و تعلیم و باقیادہ
و ہدایت فرہنگی و ہنرمندی و ہنرمندی و ہنرمندی و ہنرمندی و ہنرمندی
از ہنرمندی و ہنرمندی و ہنرمندی و ہنرمندی و ہنرمندی و ہنرمندی

وزارت کشور

تعمیرات و امور دولتی
وزارت کشور

وزارت کشور
وزارت کشور